

اعتبارسنجی سندی - رجالی احادیث پزشکی جلد دوم «خصال» شیخ صدوق (ره)

سید عبدالله اصفهانی (استادیار گروه تفسیر و علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل) (نویسنده مسئول)
esfahaniquan@gmail.com

فاطمه محمدحسینی (کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل)
Iran۳۴۰۰۲@gmail.com

معصومه بهزادی (کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل)
Yasekabood۹۱۸@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵)



چکیده

کتاب خصال شیخ صدوق، از جمله میراث حدیثی ارزشمند معصومان علیهم السلام است که همواره مورد اعتماد عالمان شیعه بوده است. اعتبار علمی و رجالی شیخ و ویژگی‌های مثبت حدیث‌نگاری وی، تنوع مفاذ و... این تألیف گرانسنگ را از ویژگی‌های بارزی بهره‌مند کرده است. مطرح شدن مباحث علمی مربوط به «رابطه تعامل علم و دین»، «پیشرفت‌های روزافزون دانش‌های تجربی»، «گرایش جوامع پیشرفته و مسلمانان به سوی طب سنتی» و «باور مسلمانان به خطاناپذیری آموزه‌های قرآن و روایات معتبر»، ضرورت بازنگری ویژه‌ای در خصوص آموزه‌های پزشکی روایات و سیره معصومان علیهم السلام را می‌طلبد. پرسش اساسی مقاله حاضر - که به روش کیفی، توصیفی، تحلیلی، نقلی و آماری نگارش یافته است -، چیست اعتبارسنجی سندی - رجالی ۵۳ روایت پزشکی مجلد دوم این کتاب، به عنوان یکی از شیوه‌های فهم و نقد احادیث پزشکی است. دستاورد نوآورانه مقاله حاضر، کشف بیش از ۷۸/۵ درصد «راوی ثقه» در زنجیره اسناد احادیث فوق، اشتغال بر ۸۱ درصد «روایات مسند» و ۴۸ درصد «روایات موثق و صحیح» قابل پذیرش محدثان است که نتیجه آن برخورداری ۵۳ روایت طبی خصال از قوت سندی و رجالی فراوان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: خصال صدوق (ره)، احادیث پزشکی، اعتبارسنجی، ارزیابی سندی، ارزیابی رجالی.

۱ - طرح مسئله

میراث گران سنگ سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام همواره از سوی مسلمانان و عالمان اسلامی به چشم تکریم نگریسته شده است؛ لکن مطرح شدن مباحث علمی مربوط به ماهیت علوم تجربی و رابطه آن با آموزه‌های برخاسته از متون دینی، گرایش گسترده جوامع پیشرفته و مسلمان به سوی طب سنتی، باور مسلمانان به خطاناپذیری آموزه‌های قرآن و روایات معتبر، موجب بازگرایی ویژه‌ای به سوی آموزه‌های بهداشت و سلامت قرآن و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام شده است.

کنکاش از فرآیند فهم عالمانه روایات پزشکی و بررسی مسئله اتصال و انفصال اسناد و وثوق سندی - رجالی این روایات، به‌ویژه با توجه به توسعه علوم تجربی و دستاوردهای گسترده دانش پزشکی مدرن، محتاج نظام‌سازی خاص و روش‌شناسی فهم و نقد روایات پزشکی است، به گونه‌ای که موجب تمایز علم از غیر علم و شبه علم گردد. ترسیم روش‌شناسی فهم و نقد حدیث، از اساسی‌ترین چالش‌های روایات پزشکی شمرده می‌شود.

در گذشته طراحی دو علم رجال و درایه از سوی عالمان عقل‌گرا و اصولی شیعه و به هدف «شناخت احوال راویان حدیث از حیث احراز شرایط جواز یا عدم جواز قبول گفتارشان مانند صداقت، عدالت، فسق و...» (ر.ک: سبحانی، ۱۴۰۸: ۱۱) و «کیفیت نقل حدیث از سوی راویان، به لحاظ اتصال و انفصال زنجیره ناقلان حدیث و یا داشتن سند، ارسال سند و مانند آن» (ر.ک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۳) تلاشی در راستای دستیابی به روایات معتبر بوده است. لازم به یادآوری است، ممکن است از راه سند حدیث (به طور مستقل) و یا به کمک قرائن دیگر (جداگانه و یا توأم با کمک گرفتن از سند حدیث) از صادر شدن یک روایت از معصوم علیهم‌السلام، اطمینان حاصل شود. در مقابل اگر از صحت سندی یک حدیث، به کمک شناسایی راویان و اتصال سند، اطمینان بیابیم، گفته می‌شود «وثوق سندی» به آن تحصیل شده است. نسبت بین «وثوق صدوری» و «وثوق سندی» حدیث، عموم و خصوص من وجه است. یعنی ممکن است گاهی از صحت سندی روایتی مطمئن باشیم، لیکن به دلیل این که قطع داریم - فی‌المثل به

خاطر مخالفت حدیث با قرآن و سنت معتبر - چنین حدیثی از معصوم علیه السلام صادر نشده، «وثوق صدوری» حاصل نشود. از سویی، گاهی «وثوق صدوری» حاصل است، ولی سند روایت قابل پذیرش نیست. در نهایت، در موارد متعددی نیز هم «وثوق سندی» و هم «وثوق صدوری» وجود دارد. نتیجه آن که: «وثوق سندی» صرفاً «قرینه» ای برای دست‌یابی به «وثوق صدوری» است و با تحصیل آن، به بهره‌گیری عملی از روایت، نزدیک‌تر می‌شویم. هر چند علت تامه، در قطعی‌الصدور بودن روایت محسوب نمی‌شود. یعنی چه بسا از راه صحت سندی حدیث، نتوان صحت و سقم مفاد آن را تشخیص داد.

از طرفی، اعتبار علمی - رجالی کتب حدیثی، اعتبار مآخذ و منابعی که در نگارش آن به کار رفته، محدوده زمانی نگارش کتب حدیثی و... همگی درجات و مراتب متفاوتی از اعتبار را برای حدیث - و از آن جمله روایات پزشکی - در پی دارد. برای نمونه، اعتبار منابع حدیثی اصیل - که جزو اولین کتب روایی شیعه است و در عصر معصومان علیهم السلام و یا نزدیک به آن دوران نگاشته شده -، طبعاً از منابع حدیثی متأخر، بیشتر است. این تفاوت درجه اعتبار حتی در میان کتاب‌های نگارش شده توسط یک نویسنده نیز مشاهده می‌شود، به طوری که اعتبار برخی از کتب یک نویسنده، نسبت به برخی دیگر از تألیفاتش، متفاوت است. برای نمونه، اعتبار کتاب *من لایحضره الفقیه* شیخ صدوق، به دلیل آن که فتوایش محسوب می‌شود، از اعتبار کتاب *علل الشرائع* که در آن روایات مرتبط با مسئله استدلال یا نظیر آن را آورده و با استفاده از قواعد نقد حدیث، آن را نقادی نموده، متفاوت است.

پژوهش‌های سندی - محتوایی در حوزه روایات پزشکی، در حوزه و دانشگاه با تساهل آغاز شده و هنوز مرحله نوجوانی خویش را سپری می‌کند، به طوری که فقدان مطالعات موثکافانه و کاربردی در این حوزه، مشهود است. پژوهش در خصوص روایات پزشکی در تألیفات حدیثی مرحوم شیخ صدوق به عنوان یکی از درخشان‌ترین چهره‌های علمی امامی و پرکارترین محدث شیعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چیستی صحت و سقم سندی - رجالی روایات پزشکی منقول از شیخ صدوق در کتاب *خصال*، یکی از حلقات مفقوده در این حوزه و پرسش اساسی مقاله حاضر محسوب می‌شود که پیرو پژوهش نگارندگان تا کنون ضمن کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای انجام نشده است.



۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی توصیفی - تحلیلی است و شیوه استخراج اطلاعات و جمع‌آوری مطالب بر اساس شیوه پژوهشی و کتابخانه‌ای و جستجو در احادیث پزشکی و همچنین با استفاده از نرم‌افزارهای «درایه النور» و اسناد شیخ صدوق (طراحی شده از سوی مؤسسه کامپیوتری علوم اسلامی) است. در این پژوهش، روایات پزشکی کتاب خصال صدوق به چهار بخش: بهداشت، تغذیه، درمان و پیشگیری، دسته‌بندی شده، آن‌گاه به بررسی سندی و رجالی آن مبادرت شده است. باشد تا نتیجه این پژوهش، هم‌راستا با اهتمام آموزه‌های اسلامی در مسئله سلامت درمان، در جهت ارتقای سلامت در جامعه اسلامی قرار گیرد.

۳- انگیزه تألیف کتاب

شیخ صدوق درباره انگیزه نگارش این کتاب می‌نویسد: «با تحقیق در تألیفات مشایخ و علمای بزرگ گذشته دریافتم که آنان در بخش‌های مختلف علوم، کتاب‌هایی نگاشته‌اند؛ اما از تدوین کتابی که بر اساس شماره باشد و شامل خصلت‌های نیکو و مذموم باشد، غفلت ورزیدند و با توجه به فایده فراوان این موضوع برای جوینده علم، بر آن شدم تا برای تقرب به درگاه الهی، دست به نگارش چنین کتابی بزنم تا ذبه پاداش الهی و خوش‌بختی و رحمت خداوند متعال نایل گردم» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱).

۴- اقوال علما در حق شیخ صدوق

بسیاری از عالمان شیعه از مقام علم و تقوای شیخ صدوق سخن گفته‌اند که در این‌جا به نقل اقوال برخی رجالین مشهور اکتفا می‌کنیم. شیخ طوسی در الفهرست، شیخ صدوق را شخصی جلیل، حافظ احادیث، بصیر نسبت به رجال و ناقد اخبار دانسته که میان قمی‌ها کسی مثل ایشان در حفظ و کثرت علمی دیده نشده است. وی در ادامه می‌گوید: «صدوق حدود سیصد کتاب دارد». علمای دیگر نیز از مقام شامخ علمی و جایگاه اخلاقی و نفسانی شیخ صدوق تجلیل کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به ابن شهر آشوب مازندرانی، ابن ادریس حلّی، علامه حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی، محقق کرکی، شهید اول، شهید ثانی و... نام برد. خطیب بغدادی از علمای اهل سنت در مورد وی می‌نویسد: «او به بغداد آمد و از پدرش

نقل حدیث کرد و از شیخ شیعه و مشهورین رافضی‌ها بود. محمد بن طلحه نعالی از او بر ما حدیث کرده است» (امین، ۱۴۰۳: ۲۴/۱).

۵- شخصیت شیخ صدوق

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ق)، معروف به ابن بابویه و صدوق است. نجاشی در رجالش درباره وی می‌نویسد: «ایشان ساکن ری، شیخ و فقیه ما و در خراسان مورد قبول همگان بوده است و در سال ۳۵۵ قمری وارد بغداد و بزرگان قوم از او استماع حدیث کرده‌اند» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۹).

وی در علم حدیث، نه تنها به‌عنوان ناقل، بلکه به‌عنوان نقاد احادیث و آگاه به رجال مطرح و در کتاب‌هایش از پدرش به‌عنوان یکی از استادان خود نام برده است. صدوق بعد از فوت پدر به نزد ابن ولید رفته و به مدت پانزده سال شاگرد او بوده است. شیخ صدوق در امور رجالی کاملاً مقلد استادش ابن ولید قمی بود و هر جا خواسته کسی را نقد رجالی نماید، نظر استادش ابن ولید را آورده است. دوران زندگی آن دانشمند بزرگ شیعه، تلاشی پیگیر و مداوم در دستیابی به ذخایر حدیثی ائمه، شرح و بسط آن و حفظ کیان امامیه از انحرافات درونی و خطرات بیرونی است.

شیخ صدوق نزد اساتید بزرگی همچون پدر بزرگوارش علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، محمد بن حسن بن احمد بن ولید، حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی رضی الله عنه، ابو الحسن، محمد بن قاسم، ابو محمد، قاسم بن محمد استرآبادی، ابو محمد، عبدوس بن علی بن عباس گرگانی و محمد بن علی استرآبادی تلمذ نموده است. همچنین شاگردان مبرّزی نظیر برادرش حسین بن علی بن موسی بن بابویه قمی، شیخ مفید، پدر شیخ نجاشی، ابن غضائری، استاد شیخ طوسی، شیخ ابو جعفر، شیخ ابو البرکات، علی بن حسن خوزی و... را پرورانده است. حسین بن عبید الله غضائری از وی حدیث شنیده و به دریافت اجازه نقل روایت، نایل آمده است (آزادی، ۱۳۹۰: ۱۵۳؛ مؤدب، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

۶- مفهوم‌شناسی

اعتبار

واژه «اعتبار» از باب افتعال به معنی برگزیدن عبور و شروع به آن است. انسان صاحب عقل و اندیشه با مشاهده امور و قضایای مفید، در جهت پیش‌برد مسائل دنیوی و اخروی خود بهره



می‌گیرد و این نتایج را در وجود خودش هم تطبیق می‌دهد؛ چرا که انسان مؤمن با دیدن قضایا عبرت می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۸/۸).

اعتبارسنجی

اعتبارسنجی شیء به معنی سنجش اعتبار آن با معیارهای خاص در آن مقوله است. به عبارت دیگر، دلالت بر گونه‌ای ارزیابی و سنجش اعتبار یک امر، برای بهره‌مندی از آن در موارد نیاز. اعتبارسنجی «حدیث» نیز عبارت است از: سنجش سند، متن و منبع حدیث، برای آگاهی از درجه اعتبار آن و جداسازی و تمییز احادیث معتبر از احادیث غیر معتبر. اعتبارسنجی حدیث را می‌توان با نقد حدیث، مترادف دانست، در نقد حدیث نیز، محدثان در پی جداسازی احادیث درست از احادیث نادرست هستند (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

اعتبارسنجی روایات طبی، مانند هر روایت دیگر نیازمند اعتبارسنجی به منظور تعبد و عمل به آن یا باور کردن آن است. روایتهای در دسترس ما، به گونه مستقیم و بدون واسطه از معصوم علیه السلام دریافت نشده‌اند بلکه در جریان نقل و گذر از ده‌ها نسل، به گونه مجموعی و اجمالی، دست‌خوش برخی آسیب‌های ریز و درشت مانند تحریف، وضع و تقطیع گشته‌اند. (مسعودی، ۱۳۹۷: ۱۲)

اعتباربخشی

اعتباربخشی کتب حدیثی، عبارت است از: کاوشی دوباره در متون و طرق آن و اثبات سلامت متن و بررسی قوت طریق دستیابی به این کتب و شناساندن مؤلفان آنها، با استفاده از دانش رجال (معارف، ۱۳۹۷: ۲۸۲).

۷- اعتبارسنجی اجمالی کتاب «خصال» شیخ صدوق

خصال صدوق مانند دیگر کتاب‌های وی مورد توجه خاص عالمان شیعه قرار گرفته و روایات آن در بسیاری از مجموعه‌هایی روایی شیعه مانند کتب اربعه، بحار الأنوار و وسائل الشیعه آمده و در کتب روایی علمای متأخر از شیخ صدوق نیز مندرج شده است. کتاب خصال با وجود حجم کم، دایرة المعارف بزرگی از معارف اسلامی و احکام حلال و حرام است و به مباحث تاریخی، تفسیر قرآن، نکات فلسفی و مسائل سیاسی نیز اشاره دارد.

روایات این کتاب از نظر موضوع، بسیار گسترده است و در بسیاری از موضوعات اخلاقی و عقیدتی، روایاتی نقل شده که به شکلی با اعداد در ارتباطند (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۹).

۸- وحيانيت يا عاديّات بودن مفاذّ روايات پزشکی

در بررسی انتساب روایات علمی و پزشکی به معصوم علیه السلام سه دیدگاه وجوب، امکان (= توقف) و امتناع در خصوص آگاهی معصومان علیهم السلام به علوم بشری همچون نجوم، پزشکی، تغذیه، بهداشت و... وجود دارد.

گروهی از غلات همچون مفوضه، اخباریان و غالب عالمان شیعه و... معتقد به وجوب آگاهی معصوم علیه السلام از علوم مختلف اند. متکلمان مکتب بغداد، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، شریف مرتضی (م ۴۳۶ ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ ق) و... وجوب احاطه امام بر علوم مختلف را قابل اثبات ندانسته و توقف کرده اند. بزرگترین عالمان شیعه در قرن چهارم، همچنین سید حسین مدرس، سید حسین مدرسی طباطبایی، محسن کدیور، عبدالکریم سروش و... در طیف معتدلترین تا رادیکالترین طرفداران انکار اوصاف فرابشری معصومان علیهم السلام هستند.

در خصوص وحياني بودن و حجيت داشتن اصل «روایات طبي» به طور خاص - نه همه احاديث طبي موجود در ميراث روايي - دو دیدگاه مخالف و موافق وجود دارد:

غالب عالمان فریقین در گذشته و حال نظیر ابن قیم جوزی (م ۷۵۱ ق)، سبکی، محلی و بنایی و محدثان اهل سنت مانند بخاری (م ۲۵۶ ق)، مسلم (م ۲۶۱ ق)، ابوداؤد (م ۲۷۵ ق)، ابن ماجه (م ۲۷۳ ق) و ترمذی (م ۲۷۹ ق)، همچنین محدثان شیعی نظیر شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، ابن طاووس و... قائل به منشأ وحياني داشتن و حجيت احاديث پزشکی اند (مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۰؛ سبکی، ۱۳۵۶: ۹۵) و برخی دانشمندان اسلامی همچون قاضی عیاض (م ۵۴۴ ق) (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۲/۲۵۶)، ابن خلدون (م ۸۰۸ ق) (ابن خلدون، بی تا: ۴۹۴)، شاه ولی الله دهلوی (م ۱۱۷۶ ق) (بناء احمد، بی تا: ۲۲۴)، أشقر فقيه اصولی معاصر (اشقر، ۲۰۰۳ م) و... ضمن پذیرش صدور روایات طبي از پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن اند که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تعلیم تشریعیات مبعوث شده و اقوال و افعال دنیوی ایشان از قبیل روایات علمی و پزشکی را از «عادیّات» و غیر وحياني دانسته اند که



امکان خطا در آن می‌رود؛ لذا حجیت ندارد و عمل به آن الزامی و واجب نیست، چنانچه خطا در عادیات، نقصی به پیامبری ایشان وارد نمی‌نماید.

فراز و نشیب دیدگاه‌های عالمان شیعه در خصوص آگاهی معصومان علیهم‌السلام به همه علوم دینی و علوم بشری فراوان است، لیکن بررسی دقیق در خصوص احادیثی که بیانگر ویژگی‌های علمی، سرچشمه دانش‌ها و انواع دانش‌های معصومان علیهم‌السلام است، نشان می‌دهد که آن بزرگواران در صورت اقتضای جایگاه ولایی‌شان، از همه علوم از طریق الهام برخوردار بوده‌اند به طوری که هرگاه اراده می‌کردند چیزی را بدانند، می‌دانستند. چنانچه امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمًا»؛ امام، آن‌گاه که بخواهد بداند، می‌داند (محمّدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۴: ۲۰). از این‌رو به دلیل دیدگاه غالب دانشمندان فریقین در وحیانی بودن و حجیت روایات پزشکی (بستانی، ۱۳۹۵: ۳-۴) و برای پیشگیری از انسداد بحث، امکان یا وجوب آگاهی معصومان علیهم‌السلام را پیش فرض پژوهش قرار می‌دهیم.

دلایل موافقان وحیانی بودن و حجیت همه روایات پزشکی مستند به آیه سوم و چهارم سوره نجم: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» استدلال کامل نیست؛ زیرا مربوط به بخش تشریحی از سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، نه حوزه عادیات (همان: ۵-۸). نتیجه آن‌که، مقتضی حجم فراوان احادیث پزشکی معصومان علیهم‌السلام، پذیرش فی الجمله آن‌ها از سوی عالمان فریقین، وجود این روایات در میراث حدیثی فریقین و منابع کهن حدیثی معتبر، اعتبار سندی و محتوایی برخی از احادیث فوق و... پذیرش اصل صدور احادیث پزشکی از سوی معصومان علیهم‌السلام در حوزه تغذیه، بهداشت، پیشگیری و درمان، در راستای هدایت جسمانی، به عنوان متمم کمال معنوی است. هرچند ممکن است آن بزرگواران، گاه دیدگاه شخصی و تجربی خویش و چه بسا در مواردی بنابر شأن ولایی خویش پاسخ مناسبی فرموده‌اند (ر.ک: همان: ۶۸-۹۱؛ فاطمی، ۱۳۹۷).

نتیجه آن‌که بسیاری از احادیث پزشکی که صدور آن‌ها از سوی معصوم علیه‌السلام قطعی است، ماهیت تعبدی و عبادی مانند نماز، روزه و حج ندارد؛ بلکه ماهیتاً از عادیات و غیر عبادی و عموماً امضایی و تقریری‌اند، مگر آن‌که صدور روایت در ذیل شأن ولایی معصوم علیه‌السلام ثابت شود، که آن‌گاه حجیت خواهد داشت. از این‌رو شریف مرتضی در الشافی فی الامامة می‌نویسد: «معاذ الله أن نوجب له من العلوم إلا ما تقتضيه ولايته» (شریف مرتضی، ۱۴۲۶: ۱۶۴/۳).

عقیده ما درباره اخبار و احادیثی که درباره طب رسیده، آن است که این احادیث، بر چند گونه‌اند:

- برخی از آن‌ها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده‌اند و به کار بستن آن‌ها در دیگر شرایط آب و هوایی، درست نیست.

- در برخی از آن‌ها، معصوم علیه السلام بر پایه آنچه از حال و طبع سؤال‌کننده می‌دانسته، پاسخ داده و از همان موضع فراتر نرفته است؛ چه این که امام، بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است؛

- برخی از آن‌ها را «مخالفان»، با هدف زشت نمایاندن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده‌اند؛

- در برخی از آن‌ها، سهوی از راوی حدیث، سر زده است؛

- در برخی از آن‌ها بخشی از حدیث حفظ شده و بخشی دیگر از آن، فراموش شده است. در نهایت باید گفت: آنچه در مورد درمانِ درستِ بیماری از امامان علیهم السلام رسیده، مضمون آیات و سوره‌های قرآن و یا دعاهایی است که به حکم سندهای قوی و طرق صحیحی که به واسطه آن‌ها به ما رسیده‌اند، پذیرفته خواهند شد (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۱۵).

۹- اعتبارسنجی سندی روایات پزشکی جلد دوم «خصال» صدوق

بنابر پژوهش نگارندگان، احادیث پزشکی جلد دوم خصال، اولاً به لحاظ «ارزیابی سندی» از مجموع ۵۳ حدیث طبی، ۳۸ حدیث ضعیف، ده حدیث صحیح و پنج حدیث موثق‌اند؛ ثانیاً: نتیجه کنکاش در زنجیره اسناد روایات فوق از حیث «اتصال و انفصال سند»، دستیابی به ۴۳ حدیث «مسند»، پنج حدیث «مرفوع» و پنج حدیث «مرسل» است. لازم به یادآوری است، به لحاظ اصطلاحات علم حدیث:

حدیث صحیح: حدیثی که سلسله سند آن توسط افرادی موثق و امامی مذهب به معصوم متصل گردد. برای نمونه حدیث: «(۷۵ - ۸۸۰) حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنصُورٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ».

حدیث موثق: حدیثی که سند آن به معصوم متصل باشد و در تمام طبقات یا لااقل یکی از آنها راوی‌ای که به رغم امامی نبودن عالمان شیعه، او را توثیق نموده باشند وجود داشته باشد و مابقی راویان ممدوح امامی یا عدل امامی باشند. برای نمونه حدیث: «(۸۵ - ۸۹۰)



وَعَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «...».

حدیث ضعیف: حدیثی که اعتبار آن از جهت اوصاف راویان ثابت نشده باشد. برای نمونه حدیث: «(۸۷ - ۸۹۲) حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُتَيْبَةَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «...».

حدیث مسند: به حدیثی گفته می‌شود که سلسله سند آن، بدون افتادگی راوی تا معصوم ﷺ ذکر شده باشد. بدین‌گونه راوی بدون واسطه، حدیث را از راوی پیشین گرفته و نقل کرده تا به معصوم ﷺ رسیده باشد. از «حدیث مسند»، به «حدیث متصل» هم تعبیر می‌شود. برای نمونه حدیث: «(۸۸ - ۸۹۳) حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «...».

حدیث مرفوع: روایتی است که در آن، نام یک یا چند نفر از سلسله راویان ذکر نشده باشد. برای نمونه: «(۱۹ - ۹۸۲) حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «...».

حدیث مرسل: حدیثی که راوی آن را از معصوم نشنیده، بدون واسطه از وی نقل کرده باشد و یا با واسطه نقل کرده باشد؛ اما واسطه را فراموش کرده و به فراموشی تصریح نموده و یا از روی عمد یا سهو، آن را نیاورده باشد و یا واسطه را به ابهام ذکر کرده باشد. مانند تعبیر «عن رجل» یا «عن بعض اصحابنا»، واسطه حذف شده، یکی باشد یا بیشتر. برای نمونه: «(۳۷ - ۱۰۰۰) حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «...».

جدول «شماره و کد احادیث پزشکی»، «لیست ارزیابی سندی احادیث» و «تشریح تفصیلی وضعیت اتصال و انفصال سند هر روایت» به شرح ذیل تقدیم می‌شود:

جدول «ارزیابی» و «اتصال و انفصال» جلد دوم خصال شیخ صدوق

ردیف	کد	ارزیابی سندی			اتصال سند		حدیث
		مؤلف	صحیح	ضعیف	رسول	مسند	
۱	۶۳-۸۶۸	*				*	... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> يَقُولُ احْتَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَأَعْطَى الْحَجَّامَ بَرًّا.
۲	۶۴-۸۶۹			*	*		... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> يَحْتَجِمُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ.
۳	۶۵-۸۷۰			*	*		... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: الْحِجَامَةُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ مِنْ آخِرِ النَّهَارِ تَسْلُ الدَّاءَ سَلًّا مِنَ الْبَدَنِ.
۴	۶۸-۸۷۳			*	*	*	... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> مَنْ احْتَجَمَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لَسِنِعَ عَشْرَةَ أَوْ سِنِعَ عَشْرَةَ أَوْ لِاحْدَى وَعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ كَانَتْ لَهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ مِنْ أَدْوَاءِ السَّنَةِ كُلِّهَا وَكَانَتْ لِمَا سِوَى ذَلِكَ شِفَاءً مِنْ وَجَعِ الرَّأْسِ وَالْأَضْرَاسِ وَالْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ.
۵	۷۰-۸۷۵			*	*		... قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ <small>عليه السلام</small> يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَهُوَ يَحْتَجِمُ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ أَهْلَ الْحَرَمَيْنِ يَزُورُونَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> أَنَّهُ قَالَ مَنْ احْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فَأَصَابَهُ بَيَاضٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّمَا يُصِيبُ ذَلِكَ مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ فِي طَمْثٍ.
۶	۷۱-۸۷۶			*	*	*	... رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ <small>عليه السلام</small> احْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَهُوَ مَحْمُومٌ فَلَمْ تَتْرُكْهُ الْحُمَّى فَاحْتَجَمَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَتَرَكْتَهُ الْحُمَّى.
۷	۷۲-۸۷۷			*	*	*	... كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي <small>عليه السلام</small> أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ فَكَتَبَ <small>عليه السلام</small> مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْبَةِ وَفِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعُوفَى مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَعَاهَةِ وَقَضَى اللَّهُ لَهُ حَاجَتَهُ وَكَتَبْتُ إِلَيْهِ مَرَّةً أُخْرَى أَسْأَلُهُ عَنِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ فَكَتَبَ <small>عليه السلام</small> مَنْ احْتَجَمَ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْبَةِ عُوفَى مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَفِي مِنْ كُلِّ عَاهَةِ وَلَمْ تَخْضَرْ مَحَاجِمُهُ

حديث	اتصال سند			ارزيابي سندی			كد		زديف
	مرفوع	مسند	مرسل	ضعيف	مرفوع	مسند	شماره	حديث	
... قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اِحْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ بَعْدَ الْعَصْرِ.		*			*		٧٥-٨٨٠		٨
... عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ قَالَ وَقَفُوا الْحِجَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ التُّورَةَ فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحْسٌ مُسْتَمِرٌّ وَ فِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمَ.		*			*		٧٦-٨٨١		٩
... قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَوَقَّى التُّورَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسٌ مُسْتَمِرٌّ.		*			*		٧٧-٨٨٢		١٠
... قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ وَ هُوَ يَحْتَجِمُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَ تَحْتَجِمُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ فَقَالَ نَعَمْ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُحْتَجِمًا فَلْيَحْتَجِمِ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ فَإِنَّ عَشِيَّةَ كُلِّ جُمُعَةٍ يَبْتَدِرُ الدَّمُ فَرَقًا مِنَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى وَكْرِهِ إِلَى غَدَاةِ الْخَمِيسِ ثُمَّ التَّقَتَ إِلَى غَلَامِهِ رُبِيعٌ فَقَالَ يَا رُبِيعُ اشْدُدْ قَصَبَ الْمَلَاذِمِ وَ اجْعَلْ مَصَّكَ رَخِيًا وَ اجْعَلْ شَرْطَكَ رَحْفًا «٤» وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَنْ احْتَجَمَ فِي آخِرِ خَمِيسٍ مِنَ الشَّهْرِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ سَلَّ مِنْهُ الدَّاءُ سَلًّا.		*		*			٧٩-٨٨٤		١١
... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَنْ قَصَّ أَظْفِيرَهُ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ تَرَكَ وَاحِدَةً لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ.		*			*		٨٢-٨٨٧		١٢
... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَبِيعِ الْقَلَاءِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ﷺ يَحْتَجِمُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ تَحْتَجِمُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَالَ أَفَرَأَيْتَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فَإِذَا هَاجَ بِكَ الدَّمُ لَيْلًا كَانَ أَوْ نَهَارًا فَأَفَرَأَيْتَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ احْتَجِمِ.		*			*		٨٣-٨٨٨		١٣
... عَنْ عَلِيِّ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَطْرَفُوا أَهَالِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهِةِ وَ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ وَ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا خَرَجَ فِي الصَّبْفِ مِنْ بَيْتِ خَرَجَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ فِي الشَّتَاءِ مِنَ الْبَرْدِ دَخَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ قَدْ رَوَى أَنَّهُ كَانَ دُخُولُهُ وَ خُرُوجُهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.		*				*	٨٥-٨٩٠		١٤

ردیف	کد حدیث شماره	ارزیابی سندی			اتصال سند			حدیث
		مسنند	مرفوع	ضعیف	مرسل	مسنند	مرفوع	
۱۵	۸۶-۸۹۱	*	*	*			... قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَّمَنِي دُعَاءَ اسْتَنْزِلُ بِهِ الرُّزْقَ فَقَالَ لِي خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَأُظْفَارِكَ وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ. ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: تَقْلِيمُ الْأُظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَالْعَمَى وَإِنْ لَمْ يَحْتَجَّ فَحُكُّهَا حَكَاً وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَنْ قَلَّمَ أُظْفَارَهُ وَ قَصَّ شَارِبَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُعْطِيَ بِكُلِّ فَلَامَةٍ وَ جِرَازَةٍ عَشْرَةَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ. ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ قَلَّمَ أُظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أَمَلِهِ الدَّاءَ وَ أَدَخَلَ فِيهِ الدَّوَاءَ وَ رُوِيَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ جُنُونٌ	
۱۶	۸۷-۸۹۲	*	*	*			... عَنْ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ يَقُولُ قَلَّمُوا أُظْفَارَكُمْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ اسْتَحْمُوا يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ أَصِيبُوا مِنَ الْحَجَامِ حَاجَتَكُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ تَطَيَّبُوا بِطَيِّبٍ طَيِّبِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ. ... عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمَ وَ يَوْمَ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ لَا يَدَعُ ذَلِكَ.	
۱۷	۸۸-۸۹۳	*	*	*			... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لِلَّهِ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ أُظْفَارَهُ وَ مَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ. ... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ قَلَّمَ أُظْفَارَهُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عَوْفَى مِنْ وَجَعِ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعِ الْعَيْنِ.	
۱۸	۸۹-۸۹۴	*	*	*			... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لِلَّهِ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ أُظْفَارَهُ وَ مَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ.	
۱۹	۹۰-۸۹۵	*	*	*			... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لِلَّهِ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ أُظْفَارَهُ وَ مَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ.	
۲۰	۹۱-۸۹۶	*	*	*			... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لِلَّهِ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ أُظْفَارَهُ وَ مَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ.	
۲۱	۱۰۰-۹۰۵	*	*	*			... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لِلَّهِ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ أُظْفَارَهُ وَ مَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ.	

زديف	كد	ارزيابي سندی			اتصال سند			حديث
		مسند	مرفوع	ضعيف	مرسل	مسند	مرفوع	
۲۲	۱۰۱-۹۰۶	*	*			*		... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: السَّبْتُ لَنَا وَالْأَحَدُ لِشِيعَتِنَا وَالْإِثْنَيْنِ لِأَعْدَائِنَا وَالثَّلَاثَاءُ لِبَنِي أُمَيَّةَ وَالْأَرْبَعَاءُ يَوْمَ شُرْبِ الدَّوَاءِ وَالْخَمِيْسُ تُقْضَى فِيهِ الْحَوَائِجُ وَالْجُمُعَةُ لِلتَّطْلُفِ وَالتَّطْيِيبِ وَهُوَ عِيْدُ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَيَوْمُ الْغَدِيرِ أَفْضَلُ الْأَعْيَادِ وَهُوَ ثَامِنٌ عَشْرٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَكَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَقُومُ الْقِيَامَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَمَا مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. معنى الحديث الذى روى عن النبي <small>صلى الله عليه وآله</small> قال لا تعادوا الأيام فتعاديكم.
۲۳	۸-۹۴۵			*	*			... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ <small>عليه السلام</small> بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> إِذْ وَرَدَ عَلَيْهِ وَفَدَّ عَبْدُ الْقَيْسِ فَسَلَّمُوا ثُمَّ وَضَعُوا بَيْنَ يَدَيْهِ جِلَّةً تَمْرٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> أَصَدَقَةٌ أَمْ هَدِيَّةٌ قَالُوا بَلْ هِيَ هَدِيَّةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَيُّ تَمْرَانِكُمْ هَذِهِ قَالُوا الْبُرْنِيُّ فَقَالَ <small>صلى الله عليه وآله</small> فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعٌ خِصَالٍ إِنْ هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِيهِ تِسْعٌ خِصَالٍ يُطَيَّبُ النَّكْهَةَ وَ يُطَيَّبُ الْمَعْدَةَ وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ وَ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ وَ يَقْوَى الظَّهْرَ وَ يُحْبِلُ الشَّيْطَانَ وَ يَقْرُبُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُبَاعِدُ مِنَ الشَّيْطَانِ.
۲۴	۱۰-۹۴۷			*	*			... عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ لَمَّا افْتَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> خَيْبَرَ دَعَا بِقَوْسِهِ فَأَتَكَأَ عَلَى سَيْبَتِهَا ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ ذَكَرَ مَا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ وَ نَصَرَ بِهِ وَ نَهَى عَنْ خِصَالٍ تِسْعَةٍ عَنْ مَهْرِ الْبَغِيِّ وَ عَنْ كَسْبِ الدَّائِبَةِ يَعْنِي عَسَبَ الْفَحْلِ وَ عَنْ خَاتَمِ الذَّهَبِ وَ عَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَ عَنْ مَيَاثِرِ الْأَرْجَوَانِ قَالَ أَبُو عَرُوبَةَ عَنْ مَيَاثِرِ الْحُمْرِ وَ عَنْ لُبُوسِ ثِيَابِ الْقَسِيِّ وَ هِيَ ثِيَابٌ تُسْجَعُ بِالسَّامِ وَ عَنْ أَكْلِ لُحُومِ السَّبَاعِ وَ عَنْ صَرْفِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ بِالْفِضَّةِ بَيْنَهُمَا فَضْلٌ وَ عَنْ النَّظَرِ فِي النَّجُومِ.

رديف	كد	ارزيابي سندی			اتصال سند			حديث
		مسند	مرفوع	ضعيف	مرسل	مسند	مرفوع	
٢٥	٢٢-٩٥٩	*		*		*		... عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: تِسْعَةٌ يُورَثُنَ السُّبْيَانَ أَكْلُ التُّفَّاحِ يَعْنِي الْحَامِضَ وَ الْكُزْبُرَةَ وَ الْجُبْنَ وَ أَكْلُ سُورِ الْفَأْرِ وَ الْبُؤْلِ فِي الْمَاءِ الْوَاقِفِ وَ قِرَاءَةُ كِتَابَةِ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ بَيْنَ امْرَأَتَيْنِ وَ طَرْحُ الْقَمَلَةِ وَ الْحِجَامَةُ فِي النَّقْرَةِ.
٢٦	٢٣-٩٦٠	*		*		*		... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ <small>عليه السلام</small> عَنِ النَّبِيِّ <small>صلى الله عليه وآله</small> أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ تِسْعَةٌ أَشْيَاءُ يُورَثُنَ السُّبْيَانَ أَكْلُ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ وَ أَكْلُ الْكُزْبُرَةِ وَ الْجُبْنِ وَ سُورِ الْفَأْرَةِ وَ قِرَاءَةُ كِتَابَةِ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ بَيْنَ امْرَأَتَيْنِ وَ طَرْحُ الْقَمَلَةِ وَ الْحِجَامَةُ فِي النَّقْرَةِ وَ الْبُؤْلُ فِي الْمَاءِ الرَّائِدِ.
٢٧	١٨-٩٨١	*		*		*		... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَا يُؤْكَلُ مِنَ الشَّاةِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ الْفَرْثُ وَ السِّدْمُ وَ الطَّحَالُ وَ النَّخَاعُ وَ الْعُدَدُ وَ الْقَضِيبُ وَ الْأَثْنَيْنِ وَ الرَّحْمُ وَ الْحَبَاءُ «١» وَ الْأَوْدَاجُ أَوْ قَالَ الْعُرُوقُ.
٢٨	١٩-٩٨٢	*		*		*		... يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ مِنَ الْمَيْتَةِ ذِكْيَةُ الْعَظْمِ وَ الشَّعْرُ وَ الصُّوفُ وَ الرَّيْشُ وَ الْقُرْنُ وَ الْحَافِرُ وَ الْبَيْضُ وَ الْإِنْفَحَةُ وَ اللَّبَنُ وَ اللَّبَنُ وَ السُّنُّ.
٢٩	٢٤-٩٨٧	*		*		*		... عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارٍ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي اعْتِرَالِ النَّاسِ وَ وَاحِدَةٌ فِي الصَّمْتِ.
٣٠	٣٥-٩٩٨	*		*		*		... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: كُلُوا الْبَطِيخَ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةٍ هُوَ شَحْمَةُ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَ لَا غَائِلَةٌ وَ هُوَ طَعَامٌ وَ هُوَ سَرَابٌ وَ هُوَ فَاكِهَةٌ وَ هُوَ رَيْحَانٌ وَ هُوَ أَشْنَانٌ وَ هُوَ أَدْمٌ وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ وَ يُدْرِئُ الْبُؤْلَ.
٣١	٣٦-٩٩٩	*		*		*		... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> مِثْلَهُ. وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ وَ يُذِيبُ الْحَصَى فِي الْمَثَانَةِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> يَأْكُلُ الْبَطِيخَ بِالرُّطْبِ. وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ كَانَ <small>عليه السلام</small> يَأْكُلُ الْخُزْبِرَ بِالسُّكَّرِ. وَ قَالَ الصَّادِقُ <small>عليه السلام</small> أَكْلُ الْبَطِيخِ عَلَى الرَّيْقِ يُورِثُ الْفَالِجَ وَ أَكْلُ التَّمْرِ الْبُزْنِيَّ عَلَى الرَّيْقِ يُورِثُ الْفَالِجَ.

حديث	اتصال سند			ارزيابي سندی			كد		زديف
	مرفوع	مسند	مرسل	ضعيف	مرفوع	مسند	شماره	حديث	
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: النَّشْوَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمَسْنِيُّ وَ الرُّكُوبُ وَ الْإِزْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحُسْنَاءِ وَ الْجِمَاعُ وَ السَّوَاكُ وَ مُحَادَثَةُ الرَّجَالِ.			*	*			٣٧-١٠٠٠		٣٢
... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ النَّشْوَةُ فِي عَشْرِ أَشْيَاءَ فِي الْمَسْنِيِّ وَ الرُّكُوبِ وَ الْإِزْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَ النَّظَرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ الْجِمَاعِ وَ السَّوَاكِ وَ غَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخَطِيمِ وَ النَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحُسْنَاءِ وَ مُحَادَثَةِ الرَّجَالِ		*		*			٣٨-١٠٠١		٣٣
... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ: غَارِسَهَا وَ حَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ سَارِبَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ آكَلَ ثَمَنِهَا.		*		*			٤١-١٠٠٤		٣٤
... رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ <small>صلى الله عليه وآله</small> قَالَ: السَّوَاكُ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ سَبْعِينَ ضِعْفًا وَ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ يَذْهَبُ الْحَفْرَ وَ يَبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ يَذْهَبُ بِعِشَاوَةِ الْبَصْرِ وَ يَشْهِي الطَّعَامَ.		*		*			٥١-١٠١٤		٣٥
... يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ <small>صلى الله عليه وآله</small> قَالَ: فِي السَّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خِصْلَةً مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ يَبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ يَقْلُ الْبَلْغَمَ وَ يَشْهِي الطَّعَامَ وَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ وَ تُصَابُ بِهِ السُّنَّةُ وَ تَحْضَرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ هُوَ يَمْرُؤٌ بِطَرِيقَةِ الْقُرْآنِ وَ رَكَعَتَيْنِ [رَكَعَتَانِ] بِسَوَاكِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بِغَيْرِ سَوَاكِ		*		*			٥٢-١٠٧٧		٣٦
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: فِي السَّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خِصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصْرِ وَ يُرْضِي الرَّحْمَنَ وَ يَبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يَشْهِي الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ وَ يُضَاعَفُ بِهِ الْحَسَنَاتُ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ.		*		*			٥٣-١٠٧٨		٣٧

حديث	اتصال سند			ارزيابي سندی			كد		زديف
	مرفوع	مسند	مرسل	ضعيف	مرفوع	مسند	شماره	حديث	
... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ <small>عليه السلام</small> عَنْ رَسُولِ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ السَّوَاكُ مِنَ السُّنَّةِ وَهُوَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ وَيَجْلُو الْبَصَرَ وَيُرَضِي الرَّحْمَنَ وَيُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَيَذْهَبُ بِالْحَفَرِ وَيُسَدُّ اللَّثَّةَ وَيُسَهِّي الطَّعَامَ وَيَذْهَبُ بِالْبَلْعَمِ وَيَزِيدُ فِي الْحَفِظِ وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ		*		*			٥٤-١٠٧٩	٣٨	
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَقَالَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ <small>عليه السلام</small> فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا تَأْدِيبٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَالرِّضَا وَالسُّكْرُ وَالسُّمِّيَّةُ وَالسُّنَّةُ فَالْوَضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَالْجُلُوسُ عَلَى الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَلَعْقُ الْأَصَابِعِ وَأَمَّا التَّأْدِيبُ فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ وَ تَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَالْمَضْغُ الشَّدِيدُ وَقَلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.		*		*			٦٠-١٠٨٥	٣٩	
... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ <small>عليه السلام</small> عَنِ النَّبِيِّ <small>صلى الله عليه وآله</small> أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَعْلَمَهَا فِي الْمَائِدَةِ أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا أَدَبٌ فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ وَالسُّمِّيَّةُ وَالسُّكْرُ وَالرِّضَا وَأَمَّا السُّنَّةُ فَالْجُلُوسُ عَلَى الرَّجْلِ الْيُسْرَى وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَأَنْ يَأْكُلَ مِمَّا يَلِيهِ وَ مَضَّ الْأَصَابِعِ وَأَمَّا الْأَدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَالْمَضْغُ الشَّدِيدُ وَ قَلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ وَ غَسْلُ الْيَدَيْنِ.		*		*			٦١-١٠٨٦	٤٠	
... رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> أَنَّهُ قَالَ: دَرَاهِمٌ فِي الْخِصَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَقْمَةِ أَلْفِ دَرَاهِمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعٌ عَشْرَةَ خَصْلَةً يُطْرَدُ الرَّيْحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ وَيَجْلُو الْغِشَاوَةَ عَنِ الْبَصَرِ وَيُلَيِّنُ الْحَيَاشِيمَ وَيَطْبِيبُ النَّكْهَةَ وَيُسَدُّ اللَّثَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالضَّنَى وَيَقْلُ وَسُوسَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبْشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَعِظُ بِهِ الْكَافِرُ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ طِيبٌ وَ بَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ.	*			*			١-١١٠١	٤١	

ردیف	کد حدیث شماره	ارزیابی سندی			اتصال سند			حدیث
		مسنند	مرفوع	ضعیف	مرسل	مسنند	مرفوع	
۴۲	۲-۱۱۰۲	*		*				... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ <small>ع</small> عَنِ النَّبِيِّ <small>ص</small> أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ ذَرِّهِمْ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلَ مِنْ أَلْفِ ذَرِّهِمْ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِيهِ أَرْبَعٌ عَشْرَةَ خَصْلَةً يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ وَيَجْلُو الْبَصَرَ وَيَأْتِي الْخَبَاشِيمَ وَيُطَبُّ النِّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّئِمَةَ وَيَذْهَبُ بِالضَّنَى وَيُقِلُّ وَسْوَسةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرُحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَيَسْبِشُرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَغِيظُ بِهِ الْكَافِرُ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ طِيبٌ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ وَ هُوَ بَرَاءَةٌ لَهُ فِي قَبْرِهِ.
۴۳	۳-۱۱۰۳	*		*				... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <small>ص</small> عَمَّا عَمَّرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَسْبَهُوا بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى.
۴۴	۷-۱۱۱۳	*		*				... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>ع</small> قَالَ: السُّنَّةُ فِي التُّورَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا فَمَنْ أَنْتَ عَلَيْهِ إِحْدَى وَ عَشْرُونَ يَوْمًا فَلَيْسَتْ دِينِ [فَلَيْسَتْ دِينًا] عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْتَنَوَّزُ وَ مَنْ أَنْتَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ لَمْ يَتَوَّزْ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُسْلِمٍ وَ لَا كَرَامَةٍ.
۴۵	۳-۱۱۲۳	*		*				... عَنِ الرَّبِيعِ صَاحِبِ الْمَنْصُورِ قَالَ: حَضَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ <small>ع</small> مَجْلِسَ الْمَنْصُورِ يَوْمًا وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنَ الْهِنْدِ يَقْرَأُ كِتَابَ الطَّبِّ فَجَعَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ <small>ع</small> يُنْصِتُ لِقِرَاءَتِهِ فَلَمَّا فَرَغَ الْهِنْدِيُّ قَالَ لَهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَتُرِيدُ مِمَّا مَعِيَ شَيْئًا قَالَ لَا فَإِنَّ مَا مَعِيَ خَيْرٌ مِمَّا مَعَكَ قَالَ وَ مَا هُوَ قَالَ أَدَاوِي الْحَارَّ بِالْبَارِدِ وَ الْبَارِدَ بِالْحَارِّ وَ الرُّطْبَ بِالْيَابِسِ وَ الْيَابِسَ بِالرُّطْبِ وَ أَرُدُّ الْأَمْرَ كُلَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَسْتَعْمِلُ مَا قَالَهُ رَسُولُهُ <small>ص</small> وَ أَعْلَمُ... (ادامه حدیث به دلیل طولانی بودن متن ذکر نشده و پژوهشگران با توجه به شماره حدیث می توانند به نرم افزار «فرهنگ اسناد کتب شیخ صدوق» مراجعه نمایند).
۴۶	۵-۱۱۵۲	*		*				... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَانِهِ عَنْ عَلِيِّ <small>ع</small> قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <small>ص</small> مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ حَلْقَ عَاتِيَتِهِ فَوْقَ الْأَرْبَعِينَ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَسْتَقْرِضْ بَعْدَ الْأَرْبَعِينَ وَ لَا يُؤَخَّرْ. الْأَرْضُ تَتَجَسَّسُ مِنْ بُولِ الْأَعْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.

ردیف	کد حدیث شماره	ارزیابی سندى			اتصال سند		حدیث
		مسنند	مرفوع	ضعیف	مرسل	مسنند	
۴۷	۶۱۱۵۳	*					... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّىٰ أَوْلَادِكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ وَأَسْرَعُ لِبَنَاتِ اللَّحْمِ فَإِنَّ الْأَرْضَ تَنْجَسُ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. فيمن اتخذ جارية فلم يأتها في كل أربعين يوما ثم أتت محرما.
۴۸	۲۱-۱۱۶۸	*		*			... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ عُمِّرَ أَرْبَعِينَ سَنَةً سَلِمَ مِنَ الْأَنْوَاعِ الثَّلَاثَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَمَنْ عُمِّرَ خَمْسِينَ سَنَةً رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ وَمَنْ عُمِّرَ سِتِينَ سَنَةً هَوَّنَ اللَّهُ حِسَابَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عُمِّرَ سَبْعِينَ سَنَةً كَتَبَتْ حَسَنَاتُهُ وَلَمْ تُكْتَبْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عُمِّرَ ثَمَانِينَ سَنَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَ مَسَى عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُورًا لَهُ وَ شَفَعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ.
۴۹	۲۵-۱۱۷۲	*		*			... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأَدْوَاءِ الثَّلَاثَةِ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ خَفَّفَ اللَّهُ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ السِّتِينَ رَزَقَهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِإِثْبَاتِ حَسَنَاتِهِ وَإِقَاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التَّسْعِينَ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَ كُتِبَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ فَإِذَا بَلَغَ الْمِائَةَ فَذَلِكَ أَوَّلُ الْعُمُرِ وَ رُوِيَ أَنَّ أَوَّلَ الْعُمُرِ أَنْ يَكُونَ عَقْلُهُ عَقْلَ ابْنِ سَبْعِينَ سَنِينَ.
۵۰	۲۷-۱۱۷۴	*		*			... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ مُعَمَّرٍ يُعَمَّرُ أَرْبَعِينَ سَنَةً إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعٍ مِنَ الْبَلَاءِ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ لَيَّنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ السِّتِينَ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ بِمَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ قَبِلَ اللَّهُ حَسَنَاتِهِ وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التَّسْعِينَ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَ سُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شَفَعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ.

زیدیف	کد حدیث شماره	ارزیابی سندی			اتصال سند			حدیث
		مسنند	مرفوع	ضعیف	مرسل	مسنند	مرفوع	
۵۱	۲۸۱۱۷۵	*		*		*		... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يُعَمَّرُ فِي الْإِسْلَامِ أَرْبَعِينَ سَنَةً إِلَّا صَوَّفَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعٍ مِنَ الْبَلَاءِ الْجُنُونُ وَالْجُدَامُ وَالْبَرَصُ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ لَيْتَنَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحِسَابَ فَإِذَا بَلَغَ السِّتِينَ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ قَبِلَ اللَّهُ حَسَنَاتِهِ وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التَّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ سَهَى أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شَفَعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ.
۵۲	۴۱۲۰۴	*	*			*	... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَمَّا أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ ﷺ مِنَ الْجَنَّةِ أَهْبَطَ مَعَهُ عَشْرِينَ وَمِائَةَ قَضِيبٍ مِنْهَا أَرْبَعُونَ مَا يُؤْكَلُ دَاخِلُهَا وَ خَارِجُهَا وَ أَرْبَعُونَ مِنْهَا مَا يُؤْكَلُ دَاخِلُهَا وَ يُرْمَى بِخَارِجِهَا وَ أَرْبَعُونَ مِنْهَا مَا يُؤْكَلُ خَارِجُهَا وَ يُرْمَى بِدَاخِلِهَا وَ غَرَارَةٌ فِيهَا بَزْرُ كُلِّ شَيْءٍ.	
۵۳	۱۰-۱۲۱۰	*	*			*	... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ﷺ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ ﷺ إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدَنَ وَ تُشَدُّ الْعُقْلَ وَ الطِّيبُ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّ ﷺ وَ كِرَامَةُ الْكَاتِبِينَ وَ السُّوَاكُ مِنْ مَرْضَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُنَّةِ النَّبِيِّ ﷺ وَ مَطْيِبَةُ اللَّفْمِ وَ الدَّهْنُ يَلْسِنُ الْبَشْرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ يَذْهَبُ بِالْقَشْفِ وَ يُسْفِرُ اللَّوْنَ وَ عَسَلَ الرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالذَّرَنِ وَ يَنْفِي الْقَذَى وَ الْمُضْمَضَةُ وَ الْإِسْتِنْشَاقُ سُنَّةٌ وَ طَهُورٌ لِلْفَمِ وَ الْأَنْفِ وَ السَّعُوطُ مَصْحَحَةٌ لِلرَّأْسِ وَ تَنْقِيَةٌ لِلْبَدَنِ وَ سَائِرُ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ وَ التُّورَةُ تُشْرَةُ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ اسْتِجَادَةٌ الْجَذَاءِ وَقَايَةُ لِلْبَدَنِ وَ عَوْنٌ عَلَى الطُّهُورِ... (ادامه حدیث به دلیل طولانی بودن متن ذکر نشده و پژوهشگران با توجه به شماره حدیث می توانند به نرم افزار «فرهنگ اسناد کتب شیخ صدوق» مراجعه نمایند).	

۱۰- اعتبارسنجی رجالی احادیث پزشکی جلد دوم «خصال» شیخ صدوق

یکی از مسائل مهم در حوزه نقد روایات، بحث «جرح و تعدیل راویان» است. این مهم بر عهده عالمان رجال است. رجالیان برای نشان دادن عدالت یا وثاقت راویان، از الفاظی خاص استفاده می‌کنند که به آنها الفاظ «تعدیل» و «توثیق» می‌گویند. چنان که برای نشان دادن ضعف اعتقادی یا اخلاقی راویان، از الفاظی خاص بهره می‌گیرند که به آنها الفاظ «جرح» گفته می‌شود. برخی از این الفاظ، ناظر به شخصیت راوی است و به صراحت، عدالت او را نفی می‌کنند و فسق و دروغ را به او نسبت می‌دهند. برخی از الفاظ جرح، ناظر به حوزه عقیده راوی است و برخورداری او از عقیده صحیح، یعنی امامیه اثنا عشری بودن را نفی می‌کند، نظیر: غال، ناصب، فاسد العقیده. برخی دیگر از الفاظ جرح، بی‌آنکه مستقیماً به اخلاق یا عقیده راوی مربوط باشد، به شخصیت حدیثی او پرداخته و راوی را فاقد صلاحیت لازم برای نقل حدیث معرفی می‌کند. نظیر «ضعف» که نزد قدما به اشخاص اطلاق می‌شد.

برخی از الفاظ «تعدیل» عبارت‌اند از: عدل، امامی، ضابطه، ثقة و ثقة فی الحدیث، حجت، عین و وجه. دیدگاه مشهور دانشمندان شیعه و اهل سنت آن است که «تعدیل» به صورت مجمل و کلی، پذیرفتنی است ولی «جرح» جز با تبیین و تفسیر، قابل قبول نخواهد بود (ر. ک: معارف، ۱۳۸۷: ۳۴۴-۳۵۹).

راویانی که در نقل احادیث پزشکی جلد دوم خصال نقش دارند، طبق پژوهش به عمل آمده در سلسله سند این روایات، ۳۲۷ نفرند که با حذف ۲۳۸ «راوی تکراری» به گروه‌های راویان «موثق»، «ضعیف» و «مجهول الحال و توصیف نشده» تقسیم می‌شود.

۱- ۱۰- راویان موثق:

کل راویان موثق موجود در سلسله روایات طبّی در جلد دوم کتاب خصال، ۲۱۸ نفرند که با حذف راویان تکراری (۱۸۴ راوی)، ۳۴ راوی خواهند بود. این راویان از نظر رجال‌شناسان توثیق شده و شخصیت آنان با توصیفات هم‌چون: «امامی ثقة جلیل» و «امامی ثقة علی التحقیق»، «امامی ثقة الجلیل» و «من اصحاب الاجماع لایروی و لایرسل إلا عن ثقة» و مانند این‌ها مورد تایید است (همان‌جا).

اسامی این ۳۴ «راوی موثق» در سلسله سندی راویان احادیث پزشکی جلد دوم خصال، به همراه توصیفاتشان به شرح جداول ذیل تقدیم می‌گردد:

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیر تکراری ثقه به همراه توصیفاتشان در زنجیره سندی روایات جلد دوم خصال شیخ صدوق

تعداد کل حدیث	کل راویان	کل راویان تکراری	کل راویان ثقه	راویان تکراری ثقه	راویان غیر تکراری ثقه
۵۳	۳۲۷	۲۳۸	۲۱۸	۱۸۴	۳۴

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	کل ثقه	ثقه تکراری	ثقه غیر تکراری
۱	۶۳-۸۶۸	۶	۵	۶	۴	عَنْ عَلِيِّ بْنِ (اسماعيل) السَّنْدِيِّ ابْنِ عَيْسَى الاشعري: امامی ثقه علی التحقیق - یونس بن یعقوب: امامی ثقه جلیل وقال بالفتحیه ورجع ولم یک واقفیا قط
۲	۶۴-۸۶۹	۹	۵	۸	۵	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ (بزيع): امامی ثقه جلیل - عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْرَمَ: (اسدی): امامی ثقه جلیل - أَوْ أَحَدِهِمَا: واقفی ثقه (احمد بن الحسن بن اسماعیل المیثمی
۳	۶۵-۸۷۰	۶	۶	۵	۵	-
۴	۶۸-۸۷۳	۷	۳	۴	۳	عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: من السابقين الذين ارجعوا الى اميرالمؤمنين
۵	۷۰-۸۷۵	۴	۴	۳	۳	-
۶	۷۱-۸۷۶	۴	۳	۳	۳	-
۷	۷۲-۸۷۷	۵	۵	۳	۳	-
۸	۷۵-۸۸۰	۶	۵	۶	۵	عَنْ حَدِيثِ بْنِ مَنْصُورٍ: امامی ثقه
۹	۷۶-۸۸۱	۷	۷	۷	۷	-
۱۰	۷۷-۸۸۲	۷	۷	۷	۷	-
۱۱	۷۹-۸۸۴	۶	۴	۵	۴	عَنْ مَرْوَانَ بْنِ عُبَيْدٍ (بن سالم): امامی ثقه
۱۲	۸۲-۸۸۷	۹	۳	۳	۳	-

رقبف	كد حديث	كل راوي	راويان تكراري	كل ثقة	ثقه تكراري	ثقه غير تكراري
١٣	٨٣-٨٨٨	٥	٢	٤	٢	عَنْ زَكَرِيَّا (بن مُحَمَّد) الْمُؤْمِنِ: قَبِلَ بَوَاقِهِ وَكَانَ مُخْتَلَطَ الْأَمْرِ فِي حَيْثِهِ
١٤	٨٥-٨٩٠	١	١	١	-	-
١٥	٨٦-٨٩١	٥	٢	٤	٢	عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ (علي بن عقبه بن خالد): إمامي ثقة جليل
١٦	٨٧-٨٩٢	٦	٤	٥	٤	عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ: إمامي ثقة جليل
١٧	٨٨-٨٩٣	٧	٧	٥	٥	-
١٨	٨٩-٨٩٤	٧	٥	٧	٥	عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحِ (الرازي): إمامي ثقة على التحقيق وربما ضعف
١٩	٩٠-٨٩٥	٥	٣	٥	٣	عَنِ الْجَعْفَرِيِّ (سليمان بن جعفر بن ابراهيم الجعفري): إمامي ثقة عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ (معويه بن عمار): فطحى عند الكشي ثقة جليل عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ: إمامي ثقة
٢٠	٩١-٨٩٦	٧	٤	٤	٤	-
٢١	١٠٠-٩٠٥	٧	٧	٥	٥	-
٢٢	١٠١-٩٠٦	٥	٤	٥	٤	عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ: معتبر
٢٣	٨-٩٤٥	٦	٥	٤	٣	حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الزِّيَّاتِ (علي بن الريان بن الصلت): إمامي ثقة
٢٤	١٠-٩٤٧	٥	-	-	-	-
٢٥	٢٢-٩٥٩	٦	٥	٥	٤	عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ (الأسدي): إمامي على تحقيق واقفي في ظم ثقه
٢٦	٢٣-٩٦٠	٧	٧	-	-	-
٢٧	١٨-٩٨١	٦	٦	٥	٥	-
٢٨	١٩-٩٨٢	٥	٣	٤	٣	احمد بن عبدالله بن احمد برقي: إمامي ثقة على التحقيق
٢٩	٢٤-٩٨٧	٤	٤	٤	٤	-
٣٠	٣٥-٩٩٨	٦	٦	٥	٥	-
٣١	٣٦-٩٩٩	٦	٢	٥	٢	وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إمامي ثقة عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ: إمامي ثقة عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ (البطائني): من رؤوس الظاهرا أخذ المشايع عنه قبل وقفه وهو إمامي ثقة
٣٢	٣٧-١٠٠٠	٦	٤	٤	٤	-
٣٣	٣٨-١٠٠١	٤	٤	٢	٢	-

رقبف	كد حديث	كل راوى	راويان تكرارى	كل ثقہ	ثقہ تكرارى	ثقہ غير تكرارى
٣٤	٤١-١٠٠٤	٧	٤	٦	٤	عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْخَزَّازِ: امامى ثقہ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ: امامى ثقہ جليل وربما ضعف
٣٥	٥١-١٠١٤	٧	٧	٦	٦	-
٣٦	٥٢-١٠٧٧	٧	٧	٦	٦	-
٣٧	٥٣-١٠٧٨	٨	٨	٧	٧	-
٣٨	٥٤-١٠٧٩	٧	٧	-	-	-
٣٩	٦٠-١٠٨٥	٥	٣	٤	٣	عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكُرَّجِيِّ: امامى ثقہ على التحقيق
٤٠	٦١-١٠٨٦	٧	٧	-	-	-
٤١	١-١١٠١	٨	٣	٤	٣	ابراهيم بن اسحاق النهاوندى (الاحمرى): رمى بالضعف فى الحديث وارتفاع فى المذهب والتحقيق إنه امى ثقہ
٤٢	٢-١١٠٢	٧	٧	-	-	-
٤٣	٣-١١٠٣	٨	-	-	-	-
٤٤	٧-١١١٣	٦	٦	٥	٥	-
٤٥	٣-١١٢٣	٦	٥	٢	٢	-
٤٦	٥-١١٥٢	٤	٢	٤	٢	عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ: امامى ثقہ جليل وكان له مذهب فى الجبر والتشبيه عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ صَدَقَةَ: لم يتضح مذهبه قيل عامى بترى ثقہ على التحقيق
٤٧	٦-١١٥٣	٥	٥	٥	٥	-
٤٨	٢١-١١٦٨	٧	٣	٦	٣	عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ: امامى ثقہ على التحقيق عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ (الكنانى): واقفى ثقہ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ (الصيرفى): امامى ثقہ جليل على التحقيق وليس اسحاق بن عمار بمتعدد ولا فطحى
٤٩	٢٥-١١٧٢	٧	٤	٦	٤	عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ: امامى ثقہ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ (بن الفضيل سيار): امامى ثقہ
٥٠	٢٧-١١٧٤	٨	١	١	-	عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسَلَمَ (العدوى): عامى ثقہ عندهم ولم يثبت وثاقته عندنا وفيه نظر
٥١	٢٨-١١٧٥	٧	١	-	-	-
٥٢	٤-١٢٠٤	٧	٧	٦	٦	-
٥٣	١٠-١٢١٠	٧	٧	٧	٧	-

۲- ۱۰- راویان ضعیف

این گروه، راویانی هستند که با الفاظی نظیر «امامی لم یثبت وثاقته» و «ضعیف جداً رمی بالغلو» و «امامی مضطرب الحدیث» و مانند آن تضعیف شده‌اند. کل راویان ضعیف موجود در سلسله روای احادیث طبیبی جلد دوم خصال، شانزده نفرند که با حذف روای تکراری (= ده راوی)، شش نفر خواهند بود. اسامی این شش «راوی ضعیف» به همراه توصیفاتشان به شرح جدول ذیل تقدیم می‌گردد:

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیر تکراری ضعیف» به همراه توصیفاتشان در زنجیره

سندی روایات پزشکی جلد دوم خصال صدوق

تعداد کل حدیث	کل راویان	کل راویان تکراری	کل راویان ضعیف	راویان تکراری ضعیف	راویان غیر تکراری ضعیف
۵۳	۳۲۷	۲۳۸	۱۶	۱۰	۶

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی ضعیف	تکراری ضعیف	غیر تکراری ضعیف
۱	۶۳-۸۶۸	۶	۵	-	-	-
۲	۶۴-۸۶۹	۹	۵	-	-	-
۳	۶۵-۸۷۰	۶	۶	-	-	-
۴	۶۸-۸۷۳	۷	۳	۱	-	عَنْ أَبِي الْخَرْجِ (الحسن بن الزبرقان أبو الخرج): امامی لم یثبت وثاقته
۵	۷۰-۸۷۵	۴	۴	-	-	-
۶	۷۱-۸۷۶	۴	۳	-	-	-
۷	۷۲-۸۷۷	۵	۵	۱	۱	-
۸	۷۵-۸۸۰	۶	۵	-	-	-
۹	۷۶-۸۸۱	۷	۷	-	-	-

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی ضعیف	تکراری ضعیف	غیر تکراری ضعیف
۱۰	۷۷-۸۸۲	۷	۷	-	-	-
۱۱	۷۹-۸۸۴	۶	۴	-	-	-
۱۲	۸۲-۸۸۷	۹	۴	۱	-	حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ: ضَعَفَهُ الْقَمِيونَ رَمَى بِالْغُلُو
۱۳	۸۳-۸۸۸	۵	۴	-	-	-
۱۴	۸۵-۸۹۰	۱	۱	-	-	-
۱۵	۸۶-۸۹۱	۵	۴	-	-	-
۱۶	۸۷-۸۹۲	۶	۴	-	-	-
۱۷	۸۸-۸۹۳	۷	۷	۱	۱	-
۱۸	۸۹-۸۹۴	۷	۵	-	-	-
۱۹	۹۰-۸۹۵	۵	۳	-	-	-
۲۰	۹۱-۸۹۶	۷	۴	-	-	-
۲۱	۱۰۰-۹۰۵	۷	۷	۱	۱	-
۲۲	۱۰۱-۹۰۶	۵	۴	-	-	-
۲۳	۸-۹۴۵	۶	۵	۱	۱	-
۲۴	۱۰-۹۴۷	۵	-	-	-	-
۲۵	۲۲-۹۵۹	۶	۵	۱	۱	-
۲۶	۲۳-۹۶۰	۷	۷	-	-	-
۲۷	۱۸-۹۸۱	۶	۶	-	-	-
۲۸	۱۹-۹۸۲	۵	۴	-	-	-
۲۹	۲۴-۹۸۷	۴	۴	-	-	-
۳۰	۳۵-۹۹۸	۶	۶	-	-	-
۳۱	۳۶-۹۹۹	۶	۲	-	-	-
۳۲	۳۷-۱۰۰۰	۶	۴	-	-	-
۳۳	۳۸-۱۰۰۱	۴	۴	-	-	-
۳۴	۴۱-۱۰۰۴	۷	۴	۱	-	عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ (الجعفی): امامی ضعیف جداعند النجاشی
۳۵	۵۱-۱۰۱۴	۷	۷	۱	۱	-
۳۶	۵۲-۱۰۷۷	۷	۷	۱	۱	-
۳۷	۵۳-۱۰۷۸	۸	۸	۱	۱	-

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی ضعیف	تکراری ضعیف	غیر تکراری ضعیف
۳۸	۵۴-۱۰۷۹	۷	۷	-	-	-
۳۹	۶۰-۱۰۸۵	۵	۴	۱	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ (محمّد بن أبو سمینہ): ضعیف جدا رمی بالغلو
۴۰	۶۱-۱۰۸۶	۷	۷	-	-	-
۴۱	۱-۱۱۰۱	۸	۳	-	-	-
۴۲	۲-۱۱۰۲	۷	۷	-	-	-
۴۳	۳-۱۱۰۳	۸	-	۱	-	الرَّبِيعِ بْنِ الْعَوَّامِ: خرج على امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> وقتل في واقفه الجمال
۴۴	۷-۱۱۱۳	۶	۶	-	-	-
۴۵	۳-۱۱۲۳	۶	۵	-	-	-
۴۶	۵-۱۱۵۲	۴	۲	-	-	-
۴۷	۶-۱۱۵۳	۵	۵	-	-	-
۴۸	۲۱-۱۱۶۸	۷	۳	۱	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُقْرِي (محمّد بن أبو سمینہ): ضعیف جدا رمی بالغلو
۴۹	۲۵-۱۱۷۲	۷	۴	-	-	-
۵۰	۲۷-۱۱۷۴	۸	۱	۱	۱	-
۵۱	۲۸-۱۱۷۵	۷	۱	۱	۱	-
۵۲	۴-۱۲۰۴	۷	۷	-	-	-
۵۳	۱۰-۱۲۱۰	۷	۷	-	-	-

۳-۱۰- راویان مجهول الحال و توصیف نشده:

مجموع راویان مجهول الحال و توصیف نشده، در سلسله راویان جلد دوم خصال، با عنایت به تکرار در سلسله احادیث ۹۳ نفرند که با حذف روای تکراری (= ۴۴ راوی) ۴۹ نفر خواهند بود. اسامی این ۴۹ «راوی مجهول الحال و توصیف نشده» به همراه توصیفاتشان به شرح جدول ذیل تقدیم می‌گردد.

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیر تکراری مجهول الحال و توصیف نشده» به همراه
توصیفاتشان در زنجیره سندی روایات پزشکی جلد دوم خصال صدوق

تعداد کل حدیث	کل راویان	کل راویان تکراری	کل راویان مجهول الحال و توصیف نشده	راویان تکراری مجهول الحال و توصیف نشده	راویان غیر تکراری مجهول الحال و توصیف نشده
۵۳	۳۲۷	۲۳۸	۹۳	۴۴	۴۹

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی مجهول الحال	تکراری مجهول الحال	غیر تکراری مجهول الحال
۱	۶۳-۸۶۸	۶	۵	-	-	-
۲	۶۴-۸۶۹	۹	۵	۱	۱	-
۳	۶۵-۸۷۰	۶	۶	۱	-	-
۴	۶۸-۸۷۳	۷	۳	۲	-	عَنْ سُلَيْمَانَ (سليمان بن طرخان القيمي): (أَبِي نَضْرَةَ) الْمُنْذِرِينَ مَالِكِ ابْنِ نَاضِرِ الْعَبْدِيِّ: ()
۵	۷۰-۸۷۵	۴	۴	۱	۱	-
۶	۷۱-۸۷۶	۴	۳	۱	-	عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ أَسْلَمَ: ()
۷	۷۲-۸۷۷	۵	۵	۱	-	-
۸	۷۵-۸۸۰	۶	۵	-	-	-
۹	۷۶-۸۸۱	۷	۷	-	-	-
۱۰	۷۷-۸۸۲	۷	۷	-	-	-
۱۱	۷۹-۸۸۴	۶	۴	۱	-	عَنْ مُعْتَبِ بْنِ الْمُبَارَكِ: ()
۱۲	۸۲-۸۸۷	۹	۳	۵	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: () عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ: () - عَنْ زَكْرِيَّا: () - عَنْ أَبِيهِ: () - عَنْ يَحْيَى قَالَ: ()
۱۳	۸۳-۸۸۸	۵	۳	۱	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَبَاحِ الْقَلَاءِ: ()
۱۴	۸۵-۸۹۰	۱	۱	-	-	-

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی مجهول الحال	تکراری مجهول الحال	غیر تکراری مجهول الحال
۱۵	۸۶-۸۹۱	۵	۲	۱	-	عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ (الهيثم ابو كهمس): ()
۱۶	۸۷-۸۹۲	۶	۴	۱	-	عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ (سليمان بن مقبل المدني): لم يتضح حاله
۱۷	۸۸-۸۹۳	۷	۷	۱	۱	-
۱۸	۸۹-۸۹۴	۷	۵	-	-	-
۱۹	۹۰-۸۹۵	۵	۳	-	-	-
۲۰	۹۱-۸۹۶	۷	۴	۳	-	حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْفَرَاتِ: () - عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَطَرٍ: () - عَنِ السَّكَنِ الْخَزَّازِ: ()
۲۱	۱۰۰-۹۰۵	۷	۷	۱	۱	-
۲۲	۱۰۱-۹۰۶	۵	۴	-	-	-
۲۳	۸-۹۴۵	۶	۵	۱	۱	-
۲۴	۱۰-۹۴۷	۵	-	۵	-	أَخْبَرَنِي أَبُو إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمَ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ بْنِ عُمَارَةَ الْحَافِظُ: () حَدَّثَنِي سَالِمُ بْنُ سَالِمٍ وَ أَبُو عَرُوبَةَ: () حَدَّثَنَا أَبُو الْخَطَّابِ قَالَ: () - حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: () حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَنْصَارِيُّ: ()
۲۵	۲۲-۹۵۹	۶	۵	-	-	-
۲۶	۲۳-۹۶۰	۷	۷	۷	۷	-
۲۷	۱۸-۹۸۱	۶	۶	۱	۱	-
۲۸	۱۹-۹۸۲	۵	۳	۱	-	۱- حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ: ()
۲۹	۲۴-۹۸۷	۴	۴	-	-	-
۳۰	۳۵-۹۹۸	۶	۶	۱	۱	-
۳۱	۳۶-۹۹۹	۶	۲	۱	-	عَنْ يَحْيَى بْنِ إِسْحَاقَ: ()
۳۲	۳۷-۱۰۰۰	۶	۴	۲	-	عَنْ رَجُلٍ: () - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ: ()
۳۳	۳۸-۱۰۰۱	۴	۴	۲	۲	-
۳۴	۴۱-۱۰۰۴	۷	۴	-	-	-
۳۵	۵۱-۱۰۱۴	۷	۷	-	-	-
۳۶	۵۲-۱۰۷۷	۷	۷	-	-	-
۳۷	۵۳-۱۰۷۸	۸	۸	-	-	-
۳۸	۵۴-۱۰۷۹	۷	۷	۷	۷	-
۳۹	۶۰-۱۰۸۵	۵	۳	-	-	-

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی مجهول الحال	تکراری مجهول الحال	غیر تکراری مجهول الحال
۴۰	۶۱-۱۰۸۶	۷	۷	۷	۷	-
۴۱	۱-۱۱۰۱	۸	۳	۴	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَغْدَادِيِّ: () - عَنْ أَبِيهِ (علي) والد محمد بن علي البغدادي همداني: () - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ (الحنظلي): () - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدِ بْنِ اسْلَمَ: ()
۴۲	۲-۱۱۰۲	۷	۷	۷	۷	-
۴۳	۳-۱۱۰۳	۸	-	۷	-	حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ الشَّافِعِيُّ الْفَرْغَانِيُّ بِفَرْغَانَةَ: () - حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مَسْعُودَةُ بْنُ أَسْمَعَ: () حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو أَحْمَدُ بْنُ حَازِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَازِمِ: () أَبِي عَزْرَةَ الْعِفَارِيُّ صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَحْمَدُ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كُنَاسَةَ أَبُو يَحْيَى الْأَسَدِيُّ: () حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ (بن الزبير): () عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عُرْوَةَ (بن الزيد): () عَنْ أَبِيهِ (عروه بن الزبير بن العوام): ()
۴۴	۷-۱۱۱۳	۶	۶	۱	۱	-
۴۵	۳-۱۱۲۳	۶	۵	۴	۳	عَنِ الرَّبِيعِ صَاحِبِ الْمَنْصُورِ (الربيع بن يونس الاموي): ()
۴۶	۵-۱۱۵۲	۴	۲	-	-	-
۴۷	۶-۱۱۵۳	۵	۵	-	-	-
۴۸	۲۱-۱۱۶۸	۷	۳	-	-	-
۴۹	۲۵-۱۱۷۲	۷	۴	۱	-	عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغْبِرَةِ: ()
۵۰	۲۷-۱۱۷۴	۸	۱	۶	-	حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُدَكَّرِي: () حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَصَمُ: () قَالَ حَدَّثَنِي بَكْرُ بْنُ سَهْلٍ الدَّمِيَّاطِيُّ: () حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُهَاجِرِ رَبِيعِ التَّجِيبِيِّ: () حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ (عبدالله بن وهب بن مسلم): () عَنْ حَفْصِ بْنِ مَيْسَرَةَ (العقيلي): () حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ الْفَقِيهَةُ بِفَرْغَانَةَ: () حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ (محمد محمد بن جمهور الحماده): () - مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّانِعِ الْمَكِّيِّ بِمَكَّةَ: () حَدَّثَنَا إِبرَاهِيمُ بْنُ الْمُثَنِّرِ الْحِزَامِيُّ: () حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ: ()
۵۱	۲۸-۱۱۷۵	۷	۱	۶	-	-

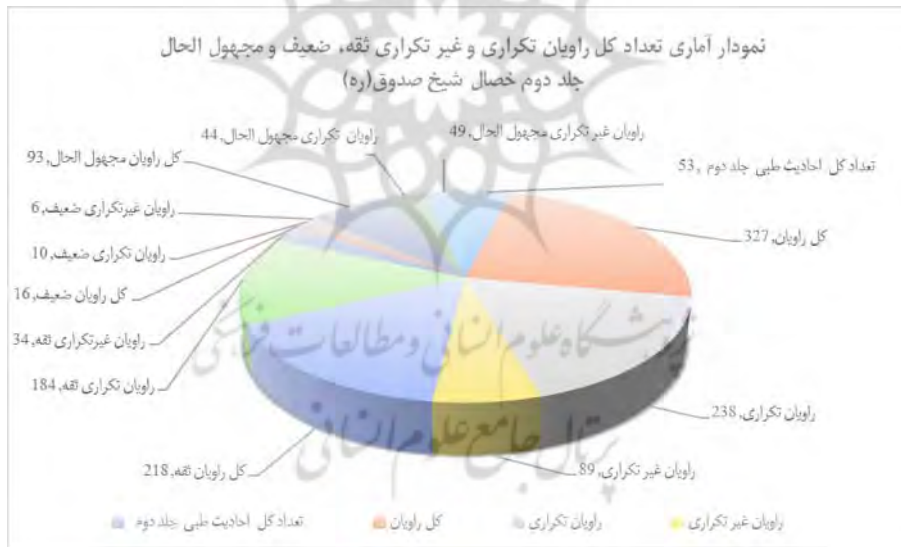
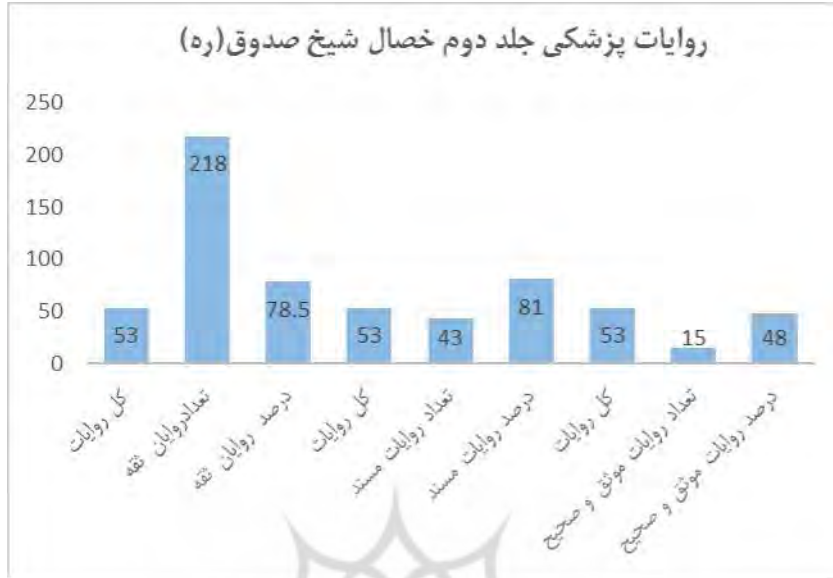
ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی مجهول الحال	تکراری مجهول الحال	غیر تکراری مجهول الحال
۵۲	۴-۱۲۰۴	۷	۷	۱	۱	-
۵۳	۱۰-۱۲۱۰	۷	۷	-	-	-

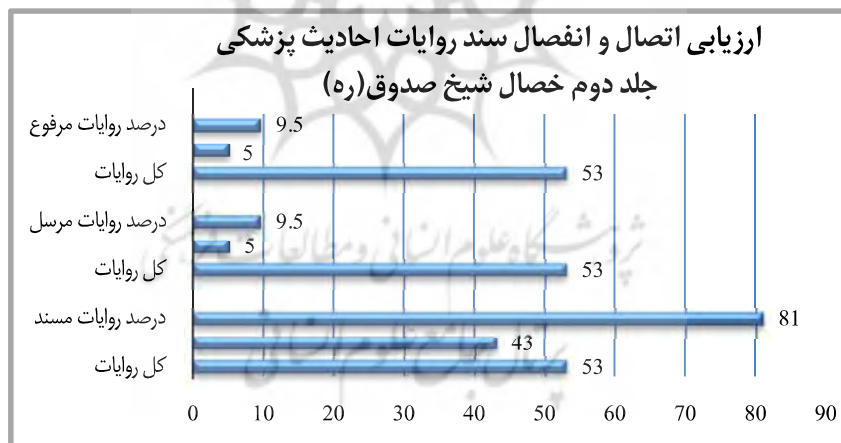
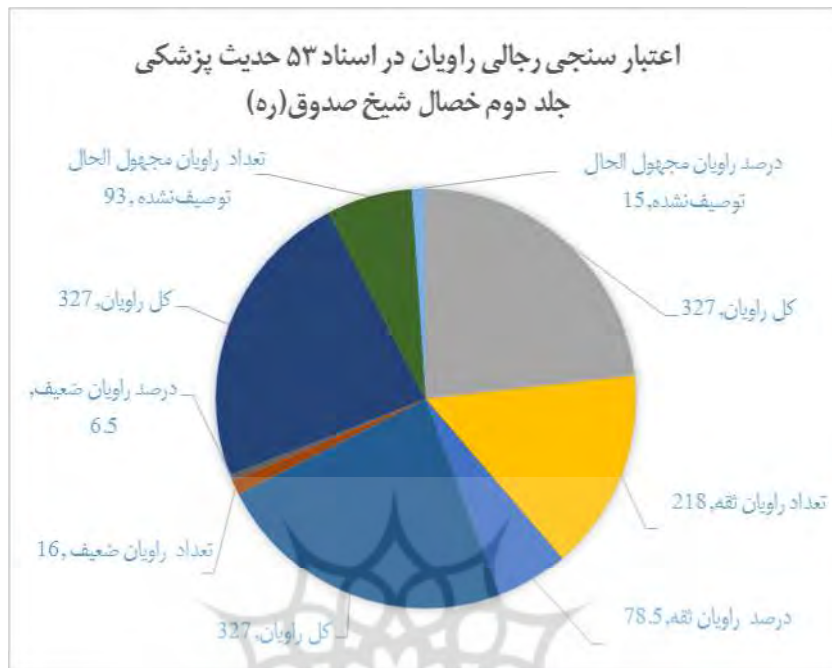
یادآوری: آمار تفصیلی راویان «موثق»، «ضعیف» و «مجهول الحال و توصیف نشده» و در هر یک از سه گروه، مقید به «تعداد کل راویان»، «تعداد راویان تکراری»، «تعداد راویان غیر تکراری»؛ در کنار شماره و کد هر یک از روایات طبی جلد دوم خصال نیز در جدول ذیل ارائه شده است.

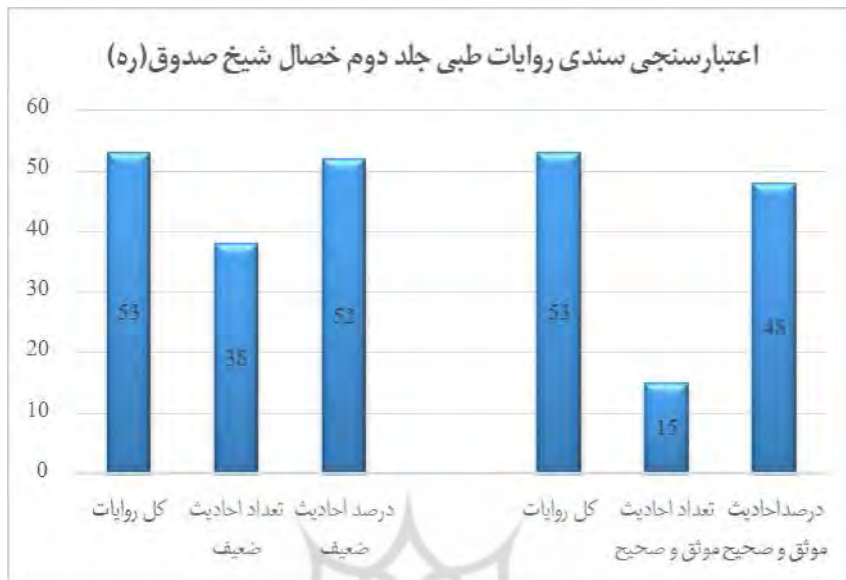
بررسی آماری تعداد کل راویان تکراری و غیر تکراری ثقه، ضعیف، مجهول الحال جلد دوم

خصال صدوق

تعداد کل حدیث جلد ۲	۵۴
کل راویان	۳۲۷
راویان تکراری	۲۳۸
راویان غیر تکراری	۸۹
کل راویان ثقه	۲۱۸
راویان تکراری ثقه	۱۸۴
راویان غیر تکراری ثقه	۳۴
کل راویان ضعیف	۱۶
راویان تکراری ضعیف	۱۰
راویان غیر تکراری ضعیف	۶
کل راویان مجهول الحال	۹۴
راویان تکراری مجهول الحال	۴۴
راویان غیر تکراری مجهول الحال	۴۹







۱۱ - نتیجه‌گیری

۱. کتاب خصال صدوق با بهرمنندی از همه خصایص حدیث‌نگاری وی و با وجود حجم کم، دایرة المعارف بزرگی از معارف اسلامی است که همواره مورد عنایت عالمان شیعه بوده است.
۲. از مجموع روایات موجود در جلد دوم خصال صدوق، اولاً تعداد ۵۳ حدیث پزشکی استخراج شده است؛ ثانیاً مجموع راویان موجود در زنجیره سندی ۵۳ روایت طبّی جلد دوم خصال، ۳۲۷ راوی‌اند که ۲۳۸ نفر از آنان، «راویان تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری» ۸۹ نفرند؛ ثالثاً مجموع «راویان ثقه» در سلسله اسناد این احادیث، ۲۱۸ راوی‌اند که ۱۸۴ نفر از آنان «راویان ثقه تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری ثقه» ۳۴ نفرند؛ رابعاً مجموع «راویان ضعیف» در سلسله اسناد این روایات، شانزده راوی‌اند که ده نفر از آنان «راویان ضعیف تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری ضعیف» شش نفرند؛ خامساً مجموع «راویان مجهول الحال و توصیف نشده» در زنجیره سندی این ۵۳ حدیث، ۹۳ راوی‌اند که ۴۴ نفر از آنان «راویان مجهول الحال و توصیف نشده تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری» در این حوزه، ۴۹ نفرند.

با توجه به آمار دقیق ارائه شده، به لحاظ «اعتبارسنجی رجالی راویان»، حدود ۷۸/۵ درصد (=۲۱۸ روای) از مجموع ۳۲۷ روای موجود در اسناد ۵۳ حدیث پزشکی جلد دوم خصال، «راویان ثقه» اند و حدود ۱۵ درصد (=۹۳ روای) از آن‌ها «راویان مجهول الحال و توصیف نشده» و حدود ۶/۵ درصد (=۱۶ روای) از کل راویان، «روایات ضعیف» هستند. به عبارت دیگر، بیش از دو سوم راویان احادیث طبی مجلد دوم خصال، ثقه و مورد پذیرش‌اند.

۳. به لحاظ «اعتبارسنجی سندی روایات»، حدود ۵۲ درصد (=۳۸ روایت) از مجموع ۵۳ روایت طبی جلد دوم خصال، «احادیث ضعیف» اند و حدود ۴۸ درصد (=پانزده روایت؛ مجموع پنج روایت موثق و ده روایت صحیح) از این تعداد، احادیث «موثق و صحیح» و مورد پذیرش محدثان هستند. مضافاً به این‌که ضعف روایات، علت تأمه در عدم پذیرش روایات شمرده نمی‌شود.

۴. از نظر «ارزیابی اتصال و انفصال سند روایات»، حدود ۸۱ درصد (=۴۳ روایت) از مجموع ۵۳ حدیث پزشکی جلد دوم خصال، «روایات مسند» اند و حدود ۴ درصد (=پنج روایت) از کل این تعداد، «روایات مرسل» و حدود ۹ درصد (=پنج روایت) از آن‌ها «روایات مرفوع» اند. به عبارت دیگر، ۹۰ درصد (نه دهم) روایات پزشکی جلد دوم خصال «روایات مسند» هستند.

۵. در نهایت «روایات پزشکی» جلد دوم خصال صدوق، به دلیل بهرمندی از خصایص مثبت حدیث‌نگاری وی، برخوردار از بیش از ۷۸/۵ درصد «راوی ثقه» در سلسله اسناد این روایات، احتمال بر بیش از ۸۱ درصد «روایات مسند» و ۴۸ درصد «روایات موثق و صحیح» قابل پذیرش محدثان، به لحاظ سندی - رجالی از قوت فراوانی برخوردار است.

کتابنامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، النخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق)، الاعتقادات، قم: کنگره مفید.
۳. ابن خلدون عبدالرحمن (بی تا)، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن سینا حسین بن عبدالله، (۱۳۶۳ش)، شفاء، تحقیق: سعید زاهد قنواتی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۵. آزادی، پرویز (۱۳۹۰ ش)، «بررسی جایگاه اهمیت و اعتبار سنجی کتاب کمال الدین و تمام النعمه»، مجله مطالعات قرآن و حدیث.
۶. أشقر، محمد بن سلیمان (۲۰۰۳م)، افعال الرسول، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۷. امین، محسن (۱۴۰۳ ق)، اعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۸. بستانی، قاسم و مصطفی عباسی مقدم و نصره باجی (۱۳۹۵ ش)، «احادیث طبی؛ منشا، حجیت و گونه شناسی»، نشریه حدیث حوزه، ش ۲۱، ص ۶۸ - ۹۱.
۹. دهلوی، احمد بن عبد الرحیم، (بی تا)، حجة الله البالغة، تحقیق: سید سابق، قاهره: دار الکتب الحدیثه.
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۴۰۸ ق)، کلیات فی علم الرجال، قم: مدیریت حوزه علمیه.
۱۱. شبکی، عبدالوهاب (۱۳۵۶ ق)، جمع الجوامع، ترجمه: طبی مصطفی، قاهره.
۱۲. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۲۶ ق)، الشافی فی الامامه، تهران: مؤسسة الصادق.
۱۳. فاطمی، سیدعلی (۱۳۹۷ ش)، گزارش نشست علمی «جستاری در روایات طبی در پرتو ملاحظات فقهی اصولی»، در سایت: <http://mobahebat.ir/17797>.
۱۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ ق)، زاد المعاد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۴ش)، اهل بیت در قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.
۱۶. مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۷۵ش)، درایة الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹ ش)، وضع و نقد حدیث، تهران: سازمان سمت و دانشکده علوم حدیث.
۱۸. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۷ ش)، «روایات طبی، تبار و اعتبار»، فصلنامه علوم حدیث، سال ۲۳، ش ۱.

۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۰. معارف، مجید (۱۳۸۷ش)، شناخت حدیث، تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ.

۲۱. معارف، مجید و راضیه مظفری (۱۳۹۷ش)، «واکاوی روش محدث نوری در اعتباربخشی به کتب حدیثی در خاتمه مستدرک الوسائل»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۵۱، ش ۲.

۲۲. مودب، رضا، حسین ستار (۱۳۹۳ش)، «بررسی نقش روایت مشترک در اخبار منتقله»، حدیث پژوهی، سال ششم، ش ۱۱.

۲۳. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۲۴. نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۲۵. نرم افزار جامع الأحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

